

۱- آنچه بطور خاص یک سفرنامه را پدید می‌آورد، «مشاهدات یک مسافر» است. صرف‌نظر از میزان توانایی علمی و دقت نظر مشاهده‌گر، گزارشگری او در قالب سفرنامه شباهت تام و تمام به سبک کار محققان علوم اجتماعی دارد که در بررسی‌هایشان «مشاهده»، «پرسشگری و مصاحبه» و بطور کلی تحقیقات «میدانی و پیمایشی» نقش اساسی را ایفا می‌کند. در واقع محقق علوم اجتماعی با پدیده اجتماعی زنده سروکار دارد و یک سفرنامه‌نویس نیز چنین است. چنانکه سفرنامه‌نویس در ارائه یک گزارش (سفرنامه) از زمان‌های گذشته براساس خواننده‌ها یا شنیده‌های خود سخن بگوید، بطور موقت از مشاهده مستقیم خارج شده یا در جهت تفصیل و توضیح مشاهدات خود به زمان دیگری (گذشته) وارد شده است. به عنوان مثال **دوید** در سفرنامه **لرستان و خوزستان** به هر پدیده تاریخی که می‌رسد علاوه بر شرح «مشاهدات خود» به توضیحات تاریخی آنچنانکه در کتابهای تاریخی و ادبی خوانده است نیز می‌پردازد. اینکه تا چه اندازه چنین مطالعات و مطالبی بر مشاهدات سفرنامه‌نویس اثر مثبت یا منفی می‌گذارد و او را به درک صحیح یا ناصحیح می‌کشانند موضوع بحث دیگری است که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. اما بدون شک بخش معتبر هر سفرنامه‌ای از نظر تاریخ‌نگاری، مشاهدات (مستقیم) مؤلف آن محسوب می‌گردد و توضیحات و تفصیلات او از دیگر منابع به ضرورت رجوع بدان‌ها که اصیل‌تر محسوب می‌شوند محل اعتبار به شمار نمی‌آید.

بدین ترتیب «زمان تاریخی» در هر سفرنامه‌ای برابر با «مدت مسافرت» خواهد بود آن هم آن قسمت از مسافرت که به نوشتن گزارش از آن (سفرنامه) اقدام شده است. نیز اصل هر سفرنامه‌ای را از این منظر «زمان‌شناسانه» فقط می‌توان به زمانی نسبت داد که سفرنامه‌نویس در «مسافرت» است نه در حال «اقامت». اینکه وجه تمایز میان «مسافر» و «مقیم» چیست، می‌تواند محل بحث و گفتگو باشد و بدون شک نمی‌توان برای آن تعریفی دقیق ارائه کرد اما در این نوشته بدین ملاک توجه شده است که فاصله مسافر با مقیم را در تفاوت میان «غریب» و «قریب» نشان دهد و به تعبیری تأثیر «مؤانست» را در ارزیابی تاریخ‌شناسانه از سفرنامه‌ها نشان دهد.

زیرا به هر حال در هر سفرنامه‌ای آنچه که انعکاس می‌یابد امور و

پدیده‌هایی هستند که برای نویسنده و مخاطبانش «عجیب» و «جالب توجه» می‌نماید. همین وجه شکل‌دهنده، محتوای سفرنامه‌ها به‌شمار می‌آید و نیز انگیزه تدوین آنها را نشان می‌دهد. زیرا سفرنامه‌نویس اثر خود را برای مردمی که از آنها دیدار کرده نمی‌نویسد بلکه برای کسانی که از محل دیدار شده او دور هستند می‌نویسد. برای چنین مردمانی یک سفرنامه در همان زمان تدوین حائز اهمیت است. یعنی دربردارنده نکات جالب توجه و مفید خواهد بود.

اما برای مردمی که سفرنامه درباره آنهاست در همان زمان نکته قابل توجهی ندارد بلکه با گذشت مدت زمانی قابل توجه و آن گاه که سفرنامه صورت یک «سند تاریخی» پیدا می‌کند، مورد توجه واقع می‌شود.

این امر نشان می‌دهد که همواره سیری از تبدیل شدن سفرنامه به عنوان یک گزارش از نوع علوم اجتماعی به «سندیت تاریخی» در جریان است، اما این بدان معنا نیست که محتوای سفرنامه‌ها به آسانی امکان کاربرد در یک «تحقیق و تألیف در زمینه تاریخ» را بیابد بلکه بخش اعظم آن بوسیله مورخ نادیده گرفته می‌شود. زیرا از محتوای یک سفرنامه آنچه که متعلق به مدت مسافرت و نیز مشاهدات مستقیم سفرنامه‌نویس نباشد مد نظر نخواهد بود.

این امر موجب می‌شود که حجم بسیاری از سفرنامه‌ها کاهش یابد. اما مهم‌تر آنکه نشان می‌دهد که از منظر تاریخ‌شناسی سفرنامه مبنی بر «زمان کوتاه» است نه «زمان بلند» که در «تاریخ» دیده می‌شود.

در بسیاری از شعب علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی و بخصوص تحقیقات آماری «زمان کوتاه»، پدیده شناخته شده‌ای است. در بعضی از شعب دیگر مانند جامعه‌شناسی تاریخی و مردم‌شناسی که تحقیقات اجتماعی به تاریخ‌نگاری شباهت می‌یابد، «زمان بلند» خودنمایی می‌کند اما بازهم آنچنان نیست که در «دانش تاریخی» دیده می‌شود. زیرا تاریخ‌نگاری در اصل براساس «مشاهده غیر مستقیم» است. به تعبیری دانش تاریخ متکی به «شهادت و گواهی» است. این امر گستره وسیعی به تاریخ می‌دهد و می‌تواند تا چند هزار سال را هم با مراجعه به اسناد، آثار و کتب و اقوال دربرگیرد.

عنایت به «استمرار» در تاریخ‌نگاری نیز بدین امر (زمان بلند) کمک بسیار می‌رساند. اما در علوم اجتماعی چون که عمر پدیده قابل مشاهده (مستقیم) کوتاه است امکان (زمان) مشاهده نیز کوتاه است لذا آنچه به منصف ظهور

# سفرنامه‌ها در بوته نقد و نظر

سخن سردبیر

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش

می‌رسد «زمان کوتاه» است.

برای یک مسافر یعنی کسی که در «سفر» است زمان مشاهده هر پدیده‌ای کوتاه است. آنچه که او می‌بیند و گزارش آن را می‌دهد فقط مربوط به همان زمان (مقدار) مشاهده است لذا کوتاه و جزئی است و بطور کلی مبتنی بر جزئیات است. نکاتی چون وقایع ساعت به ساعت یا روز به روز، جزئیات لباس و غذا و رفتار و آداب معاشرت و امثال آن.

سفرنامه‌نویس به دلیل مدت زمان کوتاه حضور در یک مکان و تماس با مردم آن، فقط امکان می‌یابد که بروز آن پدیده را در همان زمان و به همان یک وضع مشاهده کند. لذا از مشاهده جامع و کامل و علی‌الاصول دلایل و ریشه‌های آن مطلع نخواهد شد. این بدان معناست که به عنوان یک رهگذر، نگاهی گذرا و شناختی شتاب‌آلود دارد.

این وضعیت از اعتبار گزارش یک سفرنامه‌نویس خواهد کاست مگر آنکه بعدها با گزارش‌های دیگر تلفیق شود تا تصویر کاملی از یک پدیده را به دست دهد. اما در عوض از سمت و سویی دیگر، سفرنامه به خاطر چنین جزئیاتی اهمیت می‌یابد. زیرا سفرنامه‌نویس نکاتی را ثبت و ضبط می‌کند که دیگران بدان نمی‌پردازند. برای مردمی که براساس آداب و رسوم و ابزارها و روش‌های خاص خود زندگی می‌کنند لباس و خوراک و آداب دینی اموری روزمره و عادی تلقی می‌شوند. چنانکه کسی به نحوی بارز این امور متداوله معموله را نقض کند واکنش نشان خواهند داد. به دلیل همان قرار داشتن در فضای فرهنگی جامعه خویش به جز ثبت و ضبط مسائل خیلی مهم (معمولاً وقایع سیاسی و نظامی) انگیزه و دلیلی برای ثبت دیگر مسائل نمی‌یابند. در حقیقت «انس» با محیط فرهنگی و اجتماعی بخش عمده‌ای از پدیده‌ها را برایشان عادی نشان می‌دهد.

در حالی که برای مسافری از سرزمینی و جامعه‌ای دیگر همه چیز «از نوع لباس و چگونگی پخت غذا و آداب سلام و تعارف»، جالب توجه خواهد بود. به‌خصوص آنکه مدت مسافرت کوتاه و گذرا باشد. زیرا هر چه بیشتر اقامت کنند و کمتر مسافرت، بعد از مدتی بسیاری از پدیده‌ها برایش عادی می‌شوند. این فرآیند عادی شدن ادامه خواهد یافت و فقط می‌ماند پدیده‌هایی که برای مردمانی که به میانشان بازخواهد گشت چه چیز جالب توجه و شنیدنی است تا همانها را بنویسد. بدین جهت در عنوان بسیاری از سفرنامه‌های قدیم عبارات «عجیب و غریب» یا «از راه غیرمعمول» و امثال آن دیده می‌شود. بدین ترتیب نامانوس بودن هر پدیده‌ای مبنایی برای ثبت و حفظ آن توسط مسافر سفرنامه‌نویس خواهد بود. در حالی که مورخ به وقایع مهم تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز می‌پردازد.

آنچه که یک مورخ را در جامعه خویش از پرداختن به جزئیاتی که مورد توجه مسافران است بازمی‌دارد، آن است که او خود در فضای فرهنگی جامعه خویش تنفس می‌کند و با آن به خوبی آشناست و در حقیقت زندگی او را تشکیل می‌دهد.

لذا او نیز مانند مردمان، بسیاری از امور عادی روزمره برایش قابلیت ثبت و ضبط نمی‌یابند.

به علاوه او برای درک آنچه که بدان توجه می‌کند، از اشراف بر کلیت و تمامیت فضای فرهنگی (تاریخی) جامعه خود بهره‌مند است. زیرا در همین

## سفرنامه‌نویس به دلیل مدت زمان کوتاه حضور در یک مکان و تماس با مردم آن، فقط امکان می‌یابد که بروز آن پدیده را در همان زمان و به همان یک وضع مشاهده کند. لذا از مشاهده جامع و کامل و علی‌الاصول دلایل و ریشه‌های آن مطلع نخواهد شد. این بدان معناست که به عنوان یک رهگذر، نگاهی گذرا و شناختی شتاب‌آلود دارد

فضا تربیت شده، رشد کرده و زندگی می‌کند. بدین نحو او با جامعه خویش «مانوس» است و درک بلندتری از پدیده‌هایی که به ظهور می‌رسد، دارد. او خود را بدین نحو بی‌نیاز از پرداختن به جزئیات همیشگی مورد علاقه مسافر سفرنامه‌نویس می‌بیند و بدانها نمی‌پردازد. اما با گذشت زمان و تغییر سنت‌ها و رسوم و آداب و فنون و ابزار و اخلاق و... دیگر نه آن فضای عمومی فرهنگی برای مورخ باقی می‌ماند که بر همان اساس تاریخ‌نگاری کرده است، و نه برای مردمان و مورخان نسل‌های بعد به دلیل فقدان آن فضای فرهنگی گذشته، امکان درک دقیق و کامل واقعه‌ای در گذشته به آسانی میسر می‌شود.

زیرا ضرورتی برای ثبت و ضبط عناصر سازنده آن فضای فرهنگی ندیده‌اند. اینجاست که محتویات سفرنامه‌ها که دربردارنده جزئیات شرایط فرهنگی و اجتماعی گذشته یک جامعه است اهمیت بسیار می‌یابند. با کمک همین سفرنامه‌هاست که بازسازی فضای فرهنگی و اجتماعی و... گذشته امکان‌پذیر می‌گردد و بر همین اساس می‌توان گفت سفرنامه‌ها از نظر تاریخ‌نگاری دربردارنده «تاریخ‌نگاری فرهنگی» هستند.

متأسفانه سفرنامه‌ها تا حدود زیادی دربردارنده گزارش‌های منحصر بفرد هستند. در نتیجه نمی‌توان به سنجش و ارزیابی آنها پرداخت. بررسی صحت و سقم محتویات سفرنامه‌ها تاکنون کمتر صورت گرفته است. دلیل آن نیز امکان اندک سنجش آنهاست. هنگامی که مارکوپولو به سرزمین خویش بازگشت و شرح مسافرت و مشاهدات خود را به رفیق زندانی خود داد مردمان سخن او را باور نمی‌کردند و می‌گفتند او آقای میلیونی است.

این سخن از سر طنز و طعن از آن رو بود که او بسیاری از ادعاهای خود را با ارقام میلیونی بیان می‌کرد. اما بعدها او قهرمان اکتشاف شرق دانسته شد هر چند هنوز هم بعضی از اشارات او محققان را سرگردان نگه داشته است. اخیراً نیز محقق مدعی شده است که با مطالعه اسناد چینی دریافته که مارکو اصلاً به چین نرفته و سفرنامه او خیالی است. هر چند نگارنده نمی‌داند که سفرنامه مارکوپولو خیالی است یا نه اما امکان نوشتن یک سفرنامه خیالی غیرممکن نیست. چنانکه داستان هشتاد روز دور دنیا از این دست بشمار می‌آید. اهمیت و ارزش سفر و تحسین و پذیرشی که به دلیل سفر و مشاهده از نزدیک با قبول زحمت و خطر وجود دارد، همواره محتویات سفرنامه‌ها را با اقبال عمومی مواجه ساخته است. بخصوص آنکه از سرزمین‌های دور و دراز و پدیده‌های عجیب سخن می‌گوید. اما مورخ در این خصوص مانند دیگران اقدام نمی‌کند. به هر حال برای هر گزارشی از ملاک نقد و سنجش و گزینش استفاده می‌کند. اقتضات تاریخ‌نگاری و قواعد حاکم بر آن برای او سخن اول و آخر را خواهند زد نه صرف اهمیت و ارزش یک سفرنامه یا آوازه و اهمیت مسافر.

۲- آیا سفرنامه از نوع خاطرات‌نویسی است؟ یعنی سفرنامه چیزی جز خاطرات یک مسافر نیست؟ در این صورت قواعد حاکم بر آن همان قواعدی خواهد بود که بر خاطرات‌نویسی حاکم است. اگر چنین باشد «سیر انفسی» در سفرنامه بسیار جلوه‌گر خواهد بود. این امر سفرنامه‌ها را از روش مبتنی بر مشاهده که متذکر شدم محققان علوم اجتماعی بدان عنایتی خاص دارند دور

خواهد ساخت. اما چنانکه مشهودات مسافر در اصل به «سیر آفاق» می‌پردازد و حتی بیان انفعالات نفسانی برای او چیزی جز بازگویی انعکاس مشاهدات بیرونی بر احوال او نخواهد بود. آندسته از سفرنامه‌های ایرانیان که به دلیل مشاهده ترقیات غرب موسوم به «حیرت‌نامه» شده است چنین وضعیتی دارند. لذا بازتاب‌های روحی و روانی نویسنده سفرنامه را هم باید جزئی از عناصر سفرنامه به شمار آورد؟ حتی اگر کسی مثل این بطوطه پس از انجام سفر و در هنگام اقامت و استراحت به بیان مشاهدات سفر خود پرداخته باشد. به هر حال غلبه سیر آفاق بر سیر انفس در سفرنامه‌ها یک اصل است و تفاوت اصلی سفرنامه با خاطرات‌نویسی را موجب می‌شود. اما مهمتر آنکه این امر تأثیر خاص بر تاریخنگاری دوران جدید گذارده است. نیک می‌دانیم که سفرنامه‌های قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی بسیار

پراوازه بوده‌اند. سفرنامه‌های قرن نوزدهم نیز تا حدود زیادی حائز اهمیت دانسته شدند. اما سفرنامه‌های قرن بیستم آوازه کمتری یافته و حتی می‌توان گفت به نسبت قرون قبل سفرنامه‌های کمتری نوشته یا منتشر شد.

زیرا گسترش ارتباطات و تسهیل مسافرت، امکان مشاهده بسیاری از نقاط جهان را برای عموم فراهم ساخت. لذا سفرنامه‌های قرون قبل معمولاً با هر محتوایی جالب توجه دانسته شده‌اند اما قرن بیستم خیر. آیا با گذشت یکی دو قرن دیگر سفرنامه‌های قرن بیستمی نیز صورت سند تاریخی یافته و واجد اهمیت خواهند شد؟ امکان این امر بسیار اندک است زیرا وسایل خبررسانی و تهیه عکس و توسعه جهانگردی فرقی اساسی با قرون قبل ایجاد کرده است. در حالی که سیاحی مانند نیپور با خود یک نقاش را همراه می‌برد تا برایش نقش‌های تخت جمشید را نقاشی کند. به علاوه باید توجه داشت که تأثیرگذاری سفرنامه‌ها برای شکل‌گیری بینش علمی و مبانی نظری مربوط به آن بسیار اندک خواهد شد. تا قرن نوزدهم اصول اساسی دانش غربیان شکل گرفته و پس از آن با تحولی اساسی روبرو شده است.

این امر در قلمرو دانش تاریخی و جامعه‌شناسی تاریخی تاکنون به منته‌الظهور رسیده است. زیرا در هر دو عرصه فوق آن هم در دانش مدرن نسبت «زمان» و «مکان» دچار تحولی اساسی شد.

به نحو معمول و متعارف در دانش تاریخی همواره مکان ثابت و زمان متحرک دانسته می‌شد. بدین ترتیب بستر جغرافیایی در هر مبحث تاریخی ثابت بود و حتی صورت متحول آن نیز چیزی جز تصویرهای ثابت که در پی یکدیگر و براساس توالی و ترتیب زمانی قرار گرفته‌اند نبود. اما در سفرنامه همچنان زمان در حرکت است مکان نیز در حال تغییر است. این شق تغییر مکان از نظر روش تاریخنگاری پدیده جدیدی به شمار می‌آید. بدین ترتیب که سیاح همچنان که زمان بر او می‌گذرد جای خود را هم عوض می‌کند. این امر امکان می‌دهد که میان نواحی جغرافیایی در زمانی کوتاه و در حالی که سیری زمانی در جریان است «مقایسه» صورت گیرد. نتیجه حاصل از این امر آن است که مکان‌های مختلف دیگر مانند تصویرهای ثابت و جدا از هم شناخته نمی‌شوند بلکه این مکان‌ها از نظر فرهنگی، تمدنی و اجتماعی با هم متفاوت هستند، این تفاوت گویای نسبتی متفاوت از سیری تاریخی است که بر آنها گذشته است.

## متأسفانه سفرنامه‌ها تا حدود زیادی دربردارنده گزارش‌های منحصر بفرد هستند. در نتیجه نمی‌توان به سنجش و ارزیابی آنها پرداخت. بررسی صحت و سقم محتویات سفرنامه‌ها تاکنون کمتر صورت گرفته است. دلیل آن نیز امکان اندک سنجش آنهاست

در نتیجه مکان‌ها با گوناگونی شرایط تمدنی خویش در مجموع بیانگر سیری از تمدن براساس یک طرح معین خواهند بود. این طرح و الگوی معین برای سیاحان اروپایی، که غالب سیاحان چند قرن اخیر را تشکیل داده‌اند، چیزی جز تمدن غرب نبوده است. لذا بخش توامان و همزمان آن تمدن با شرایط تمدنی دیگر نقاط جهان که با بهره‌گیری از مسافرت‌ها و سفرنامه‌ها امکان‌پذیر شد نظریه و طرحی را پدید آورد که همان «سیر تمدن بشری» قلمداد گردید. مفهومی به نام «سیر تمدن» مقوله جدیدی در تفکر تاریخی محسوب می‌شود و پیش از آن سابقه نداشته است. این سخن بدان معنا نیست که پیش از آن گفتگو درباره پیشرفت یا قهقرای تمدن وجود نداشته بلکه منظور آن است که قول به «بستر جغرافیایی» برای تاریخ از این پس تبدیل به «سیر جغرافیایی» برای تاریخ شد. اثبات

این وجه نظر از یک سو نظریات جدید درباره فلسفه تاریخ را موجب شد. به عنوان مثال هگل برای تاریخ بشر (جهان) قائل به سیری از شرق به غرب بر اساس رشد دموکراسی (آزادی) بود. بعدها چنین طرح‌هایی مباحث مربوط به کشورهای پیشرفته، در حال پیشرفت، عقب مانده و امثال آن را به دنبال آورد. مبدع علمی چنین طرح‌هایی از قرن نوزدهم جامعه‌شناسی بود که هم شکل‌گیری آن در آن قرن صورت گرفت و هم تکوین آن با بهره‌گیری از معلومات انباشته شده‌ای صورت گرفت که در پی اطلاع بر تاریخ و جغرافیا و جمعیت... نواحی مختلف جهان حاصل شده بود. این امر نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی تولد یافته در قرن نوزدهم در ماهیت و اساس خود همان جامعه‌شناسی تاریخی است و چهره بستن آن تا چه اندازه به دانش تاریخی جدید که قائل به سیر جغرافیایی برای تاریخ است متکی می‌باشد.

چنین تحول بی‌سابقه‌ای در دانش تاریخی بدون شک با بهره‌گیری از سفر و سفرنامه‌ها امکان‌پذیر شد. سفرنامه‌های فراوان قرون ۱۶، ۱۷، ۱۸ و حتی قبل از آنها شاید سفرنامه‌های تخیلی مانند سرگذشت رابینسون کروزو نوشته دانیل دفو در این تحول فکری نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. اما این تحول فکری اکنون صورت گرفته و گسترش مباحث مربوط به جامعه‌شناسی تاریخی در مقیاسی جهانی و تحلیل و تفسیر آن تا بدان حد فنی و تخصصی شده‌اند که از عهده سفرنامه‌نویس‌ها برنمی‌آید. بلکه محققان و مؤسسات تحقیقاتی خاصی بدان‌ها می‌پردازند. لذا از این نظر دیگر سفرنامه کاربردی ندارند.

این جلد از کتاب ماه تاریخ و جغرافیا که اختصاص به سفرنامه‌های مربوط به ایران دارد، امید می‌رود که در توسعه و غنای منابع تاریخی مربوط به کشور ما مؤثر واقع شود. سفرنامه‌ها اکنون به عنوان یک منبع کمکی در تاریخ‌نگاری ایران قرون جدید و معاصر کاربرد دارند. حتی برای بعضی از نقاط دور افتاده گاهی به عنوان منبع منحصر به فرد محسوب می‌شوند.

این امر موجب شده است تا در پذیرش گزارش‌های سفرنامه‌ها، هم شتابزده و هم ذوق‌زده هم بطور مطلق در جهت پذیرش آنها عمل شود. لذا فرصت کافی برای نقد و نظر درباره سفرنامه‌ها کمتر صورت گرفته است. امید است در شماره‌های دیگر که باز هم به سفرنامه‌ها پرداخته می‌شود چنین نقد و نظرهایی بیشتر گردد.

بر ذمه خود میدانم از همه کسانی که در فراهم آمدن این مجموعه همکاری کرده‌اند تشکر نمایم.